

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۱ • ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۹ ژانویه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۴۶۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۸
اذان صبح فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

# سرتق

**ویل هانتینگتون نابغه - گاس وس سنت - ۱۹۹۷**

شان مگوایر (رابین ویلیامز)؛ تو هیچ‌وقت به صحنه جنگ رو از نزدیک ندیدی. تو هیچ‌وقت سسر بهترین دوستت رو تو بغلت نگرفتی در حالی که آخرین نفس هاش رو می‌کشه و با نگاهش برای کمک به تو التماس می‌کنه. تو هیچی نمی‌دونی در مورد شنسسته خوابیدن تو اتاق بیمارستان به مدت دو ماه، اونم در حالی که دستش رو تو دست‌هات نگه داشتی و دکتراها تو چشم‌هات می‌خونن که شرایط ساعت ملاقات برای تو معنی نداره.

**دیالوگ روز**

### یادداشت

## هشدار ثروتمندترین مرد رم باستان به ابرثروتمندان امروز

جامعه‌ای که همواره نابرابرتر می‌شود، پیوند خود را با دموکراسی از دست می‌دهد. ثروت خوب است، اما ثروت زیادی ناهنجاری می‌آفریند. این درسی از واپسین سال‌های جمهوری رم در دو هزار سال پیش است که امروز هنوز

موضوعیت دارد. هفت سال پس از نخستین کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ، این به آسانی فراموش می‌شود که پوپولیسم او از کتاب‌های درسی لاتین می‌آمد. زمانی که ترامپ چهارنعل می‌تاخت، دقیقاً دنباله‌رو (احتمالاً ناگاهانه) پوپولیست‌های جمهوری رم بود. ترامپ جولیوس سزار نبود، مگر شاید در رویاهایش؛ اما حرکت انتخاباتی او بسیار مدیون گلیوس ماریوس، عموی سزار، نخستین «آدم مردمی» رم بود که پیایی انتخابات را می‌برد و با حمله به نخبه‌گرایی دشمنانش و گزافه‌گویی درباره اعتماد فقرا و پشت سر ماندگان به خودش، رکورد به‌دست‌آوردن هفت بار مقام کنسولی رم را از آن خود کرد. زمانی که ترامپ از ثروت ادعایی خود برای اثبات تقوایش در قدرت‌طلبی (و در حمله به هیلاری کلینتون به‌عنوان موکل توانگرسالاران) بهره می‌گرفت، از تاکتیک‌هایی استفاده می‌کرد که ماریوس و سزار هر دو بی‌درنگ تشخیص‌شان می‌دادند.

در سال ۲۰۲۳، این درس لاتینی کماکان ادامه دارد. رم آغازین به این دلیل مرفه نبود که یک دموکراسی برابری خواه بود، بلکه به این لحاظ که در مجموع برابر و باز و دموکراتیک‌تر از رقبایش بود. برای مثال، بردگان را آزاد می‌کرد، آن هم در زمانی که یونانیان این‌کار را زیادی افراطی می‌دانستند؛ اما در سراسر قرن نخست پیش از میلاد، جنگ‌های متناوب داخلی بین داراییان و نداران، سرانجام یک نفر را به‌عنوان ثروتمندترین سیاست‌مدار عصر خود و شاید تمام اعصار، باقی گذاشت. نام او ماركوس لیسینیوس کراسوس بود.

کراسوس مانند ترامپ نخستین پول‌های خود را از املاک، ساخت‌وساز زمین‌های گرفته‌شده از بانددگان جنگ و ساختن بناهای بزرزق‌وبرق برای پیروزمندان به دست آورد. او با معدن‌کاوی و بانکداری به کار خود ادامه داد و از این راه به ثروت هنگفتی رسید. روشن‌ترین تصویری که امروز از او در خاطر داریم، آدم شروری است که کرک داگلاس را در فیلم اسپارِتاکوس استنلی کوپربک به صلیب کشید؛ اما با وجود نمایش هولناک مصلوبان در طول جاده اپی‌ین (Appian)، پیروزی در جنگ با بردگان چیزی بیشتر از یک نمایش کم‌اهمیت برای کراسوس نبود. او نوعی قدرت برای خود ساخته بود، قدرت دائمی، قدرت استفاده از پول در پشت پرده و صحنه‌گردانی هر عروسکی که به نظر قدرتمند می‌رسید. او نخستین قارون زمان بود.

حتی خود سزار هم در آغاز کار لکتیک کراسوس بود. کراسوس هزینه کارزارهای انتخاباتی سزار را می‌داد و اطمینان حاصل می‌کرد که سزار از هزینه‌ای هنگفت‌کاهن اعظم شود، به این معنا که تنها مردی که در مجمع رم یک دفتر ویژه داشت. آن‌گاه که کراسوس به سزار کمک کرد که به فرماندهی ارتش در سرزمین گل برسد، نظاره‌گر بازگشت دست‌پرورده خود به رم شد و با رشوه و وام‌دادن، سخنرانی و حمایت‌طلبی، تضمین کرد که سزار، دست‌کم برای زمان کوتاهی، وزنه تعادل مقیدی در برابر رقیب مادام‌العمرش، پمپی بزرگ، شود.

سزار و پمپی هر دو با ثروت هنگفتی که به دست آورده بودند یا به تصریح منتقدان‌شان از ششان شکست‌خورده امپراتوری رو به گسترش رم در دیده بودند، موازنه سیاست در رم را به انحراف کشاندند. کراسوس با ادامه استفاده از قدرت مالی خود در ایجاد توازن در نفوذ شرکای نظامی ستوده‌تر خویش، جایگاه خود را در این توانگرسالاری سه‌نفره موسوم به «هیولای سه‌سر» حفظ کرد. ساتوراها سیاه می‌پوشیدند و با این کار اعتراضی خود را به تغییر در نظام سنتی مهار و موازنه نشان می‌دادند؛ اما در برابر هجوم سلطه قدرتمندانه ابرثروتمندان ناتوان بودند.

کراسوس به‌تدریج دریافت که ثروت به‌تنهایی برای حفظ جایگاه او در آن میز قدرت سه‌پایه رم کفایت نمی‌کند. سزار که از فتوحات خود در گل ثروتمند شده و تحت حمایت لژیون‌های وفادار خود بود، دیگر به پول کراسوس نیازی نداشت. پمپی، پس از گام‌زدن پیروزمندانه در خیابان‌های رم و برگزاری جشن تندیس‌های زرین غول‌آسا و ریختن مروارید بر سرش، احتمالاً برای مدتی حتی از کراسوس هم ثروتمندتر شده بود.

بنابراین کسی که قدرتش مبتنی بر اعتبار ثروتش بود، تصمیم به ورود به یک کارزار جنگی گرفت تا موازنه قدرت خود را با سزار و پمپی حفظ کند. او درحالی‌که بردگان را برای کارهای ساختمانی‌اش آموزش داده بود، سراغ لژیون‌های آموزش‌دیده شخصی رقبایش رفت و به تدارک جنگ با یک همسایه پرداخت. در سال ۵۳ پیش از میلاد، ۲۰ سال پس از تورش اسپارِتاکوس، دوستان اولیگارش او اجازه دادند که همکارشان نقشه حمله به پارت (دولت اشکانیان ایران) را بریزد که یک امپراتوری رو به گسترش در شرق فرات بود.

اما کراسوس، با همه مهارت‌های تجاری و سازمانی خود، تدارکات ضعیفی داشت. او فقط به سزار و پمپی پاسخ‌گو بود. نظامات ساتوری سنتی دیپلماسی و اطلاعات در مقابل قدرت پول به زانو درآمده بودند. کراسوس کمتر اطلاعاتی درباره دشمنان اشکانی خود داشت و مانند ولادیمیر پوتین، رفیق ترامپ، در اوکراین امروز، فکر می‌کرد که بیشتر از آنچه واقعا می‌دانست، می‌داند.

کراسوس انتظار داشت با لشکریانی به فرماندهی یک عمل‌گرای اهل معامله مانند خودش روبه‌رو می‌شود. به جای آن، ارتش او با انبوهی از کمانداران چرخشی سوار بر اسبان کوچک‌اندام روبه‌رو شد که تیرهای‌شان مرتب از طریق کاروانی از شتران تامین می‌شد که این سیستم تسلیحاتی نوین بود. او درحالی‌که می‌کوشید برای یک عقب‌نشینی مذاکره کند، بر سر یک اسب به مشاجره پرداخت؛ اما سرش بریده شد و به روی‌ش‌ها افتاد و دهانش با طالی گذاخته پر شد که نشانی از آزمندی او بود؛ صفتی که اشکانیان همه او را به آن می‌شناختند. در رم اما دو سرکرده باقی‌مانده از آن هیولای سه‌سر به‌زودی کریبان‌شان گرفته شد. سزار، از طرف پوپولیست‌ها، پمپی لیدر نظم موجود را شکست داد و برای زمان کوتاهی به‌عنوان یک دیکتاتور حکم راند تا اینکه در ۴۴ مارس پ.م مورد سوءقصد قرار گرفت و کشته شد. جانشین منتخب او اوکتاوی‌ین، در جنگ داخلی پیروز شد و یک نظام حکومت تک‌نفره تشکیل داد که نهادهای دمکراتیک نزار و تقریباً جعلی از آن حمایت می‌کردند؛ نظامی که چند قرن دیگر باقی ماند.

– بیماری دشواری است. یک کلافه رگ در سر دارد. باید سر کاتر را

به داخل آن برد. در داخل مغز در آن رگ لخته ایجاد کرد تا تمام کلافه

بخشکد. اما به مغز آسیبی نرسد، مهم‌تر از آن این تصمیم که این کار را انجام بدهی یا نه؟ خیره به کاغذهای روی میز دقایقی طولانی می‌اندیشم

که چه باید کرد؟ آنکه مورد اعتمادتوست و بارها با هم تصمیم گرفته‌اید

و او انجام داده، دیگر نیست. سلطان عمان به رقم ناپنج ۱۰ هزار دلار در ماه او را ابتاع کرد.

– وقت تنگ است. شش ساعت بیشتر برای درآوردن لخته از مغز

بیماری که سکتة مغزی کرده، وقت نداری. الان ساعت دوم است که مورد مشورت قرار گرفته‌ای؛ باز با چه کنم سردرگم می‌شوی. آنکه در این‌گونه

موارد آماده بود بپذیرد، دیگر نیست. استرالیا با یک ویزای طلایی که به نوابغ

می‌دهند، او را ابتاع کرد.

چشم که بر موبایل باز می‌کنم، پیامی است از خانم دکتری که از بهترین

دستیاران ما بود. درخواست معرفی‌نامه به استادی در آلمان را دارد که

همکاری مشترکی داشتیم. آقای دکتری که برای طی دوره به کانادا رفته

است، از معرفی‌نامه تشکر کرده. آقای دکتری که سال‌ها پیش به آمریکا

رفت و الان استاد بزرگی است، وقت گذاشته دستیارانی را که استاد به اندازه

کافی ندارند، تعلیم می‌دهد و …

کمی احساس می‌کنی در پیله‌ای از تنهایی چاره‌ناپذیر قرار می‌گیری.

تنهایی‌ای که بیش از روح و روان و آرزوهایت جوهر وجودت را که همان

کیفیت کارتوست، هدف گرفته و تخریب کرده است؛ کیفیتی که تنها و

تنها یک تعریف دارد: «سطح مراقبت از بیماران». کتاب‌ها پر از اطلاعات



بابک زمانی

نورولوژیست

– وقت تنگ است. شش ساعت بیشتر برای درآوردن لخته از مغز بیماری که سکتة مغزی کرده، وقت نداری. الان ساعت دوم است که مورد مشورت قرار گرفته‌ای؛ باز با چه کنم سردرگم می‌شوی. آنکه در این‌گونه موارد آماده بود بپذیرد، دیگر نیست. استرالیا با یک ویزای طلایی که به نوابغ

می‌دهند، او را ابتاع کرد.

چشم که بر موبایل باز می‌کنم، پیامی است از خانم دکتری که از بهترین

دستیاران ما بود. درخواست معرفی‌نامه به استادی در آلمان را دارد که

همکاری مشترکی داشتیم. آقای دکتری که برای طی دوره به کانادا رفته

است، از معرفی‌نامه تشکر کرده. آقای دکتری که سال‌ها پیش به آمریکا

رفت و الان استاد بزرگی است، وقت گذاشته دستیارانی را که استاد به اندازه

کافی ندارند، تعلیم می‌دهد و …

کمی احساس می‌کنی در پیله‌ای از تنهایی چاره‌ناپذیر قرار می‌گیری.

تنهایی‌ای که بیش از روح و روان و آرزوهایت جوهر وجودت را که همان

کیفیت کارتوست، هدف گرفته و تخریب کرده است؛ کیفیتی که تنها و

تنها یک تعریف دارد: «سطح مراقبت از بیماران». کتاب‌ها پر از اطلاعات

### هزارتوی ذهن

## آخرین بازمانده آپولو۷ درگذشت

**مریم مرایی**؛ رونی والتر کانینگهام در ۱۶ مارس ۱۹۳۲ در کرسون، آیووا به دنیا آمد. او در سال ۱۹۵۱ وارد نیروی دریایی شد و در جنگ کره با جنگنده‌های تفنگداران دریایی پرواز کرد. پس از پایان خدمت در سال ۱۹۵۶ مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس فیزیک را از دانشگاه کالیفرنیا دریافت کرد. در اکتبر ۱۹۶۳، زمانی که در شرکت رند کار می‌کرد و در حال تحصیل در سطح دکتری بود، به‌عنوان سومین گروه از فضانوردان ناسا انتخاب شد.

کانینگهام فیزیک‌دان و خلبان سابق تفنگداران دریایی، به همراه سروان والتر ا.م. شیریا جونیور از نیروی دریایی و سرگرد دان اف. آیزل از نیروی هوایی در مأموریتی ۱۱روزه، در اکتبر ۱۹۶۸ شرکت داشتند. زمانی که آپولو۷ حدود ۱۸۷ مایل بالای زمین در چرخش بود، فضانوردان در حال آزمایش ماژول‌هایی برای فرود روی ماه بودند. آنها طولانی‌ترین و موفق‌ترین پرواز فضایی را انجام دادند و اولین فضانوردان ناسا بودند که در پخش زنده تلویزیونی در حین گردش به دور زمین ظاهر شدند.

کانینگهام در آن زمان غیرنظامی بود و به همراه کاپیتان شیریا و سرگرد خدمه این مأموریت ا بر عهده داشت. کانینگهام به‌عنوان خلبان ماژول ماه در این پرواز فضایی بود که در ۱۱ اکتبر از ایستگاه نیروی هوایی کیپ کندی فلوریدا پرتاب شد و پس از اتمام مأموریت، حدود ۳۲۵ مایلی جنوب برمودا یعنی کمتر از یک مایل از هدف، فرود آمد. درواقع فضاییمای آنها به قدری عمل کرده بود که آژانس، خدمه بعدی را طی مأموریت آپولو۷ در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۶۸ به دور ماه فرستاد.

آنها گفت که کانینگهام، آیزل و شیریا یک مأموریت تقریباً عالی را انجام دادند. بیل نلسون مدیر ناسا اظهار کرد کانینگهام «بیش از همه» یک

کاوشگر بود که کار او پایه‌های مأموریت فضایی آرتیمیس را گذاشت. بلافاصله پس از آپولو۷.

کانینگهام به‌عنوان مدیر برنامه Skylab شناخته شد که اولین ایستگاه فضایی آمریکا را توسعه داد. در سال ۱۹۷۰ فضانورد پیت کنراد جانشین او شد و کانینگهام سال بعد، پس از ناکامی در گرفتن مأموریت برای پرواز در مأموریت‌های اتی Skylab از ناسا استعفا داد.



• حوله‌بافی در خراسان جنوبی ریشه‌ای کهن دارد. همه مراحل سه‌گانه بافندگی با حرکات دست و با انجام می‌شود. این محصول دست‌بافته ارزشمند به عنوان یک میراث معنوی از گذشته به یادگار مانده است. عکس: پیمان حمیدی‌پور، میزان

### یاد

## محسن جعفری‌راد درگذشت

صبح دیروز خبر رسید که محسن جعفری‌راد روزنامه‌نگار، منتقد سینما و مستندساز، در ۳۶سالگی درگذشت. محسن جعفری‌راد متولد گیلان در شهر رحیم‌آباد و دانش‌آموخته انجمن سینمایی جوان لاهیجان بود. او بعد از ساخت ۱۰ فیلم کوتاه مستند و داستانی، مستند «رنج زیر پوست» را به عنوان اولین فیلم بلند خود ارائه کرد. او از منتقدان سینمایی و نویسنده مجله فیلم و فیلم امروز بود.

«طلای قهوه‌ای»، «رنج زیر پوست»، «شامار» و… ازجمله آثار مستند اوست. هوشنگ کلمکانی در ایستناگرام از «مرک

خودخواسته» این منتقد جوان سینمایی خبر داد و نوشت: «او چند هفته پیش در کرج، هنگام رفتن به خانه‌اش بازدیداشت شد و وقتی توانست پس از حدود دو هفته سرانجام هویت و حرفه‌اش را توضیح دهد و معلوم شد در نظرات حضور نداشته، آزاد شد.» انجمن منتقدان سینمایی در پیامی نوشت: «ناباورانه در غم از دست‌دادن محسن جعفری‌راد عضو عزیز انجمن منتقدان و مستندساز، عزادار شدیم… این غم را به خانواده ایشان تسلیت عرض می‌کنیم.»



### اقتصادخوانی

## بازگشایی دروازه‌های چین به روی کرونا و اقتصاد

**شپو رحیمی**؛ بازگشایی مرزهای چین در کنار امکان سفر و روابط تجاری این کشور با سایر نقاط جهان، تأثیری بر بازارهای مختلف جهانی ازجمله نفت و گاز می‌گذارد که چندان برای کشورهای دیگر به‌ویژه کشورهای غربی و اروپایی خوشایند نیست. مرزهای چین بیش از هزار روز است که به روی جهان بسته شده. در اوایل شیوع کرونا، دانشجویان خارجی این کشور را ترک کردند و گردشگران آن را از گزینه‌های سفر خود حذف کردند. دانشمندان چینی حضور در کنفرانس‌های خارج از کشور را متوقف کردند و مدیران از بازگشت به شرکت‌های خود در چین منع شدند.

به گزارش تجارت‌نیوز طبق تحلیل اکونومیست، مردم جهان از این بازگشایی وحشت‌زده خواهند شد. ویروس کرونا در داخل چین همچنان می‌تازد و روزانه ده‌ها میلیون نفر را مبتلا و ظرفیت بیمارستان‌ها را پر می‌کند. اگرچه سیاست کووید صفر در اوایل اجرای خود، جان افراد زیادی را نجات داد، اما دولت چین به‌خوبی برای برداشتن این سیاست آماده نشده بود. پیش‌بینی می‌شود اگر شیوع کرونا در این کشور همچنان ادامه پیدا کند، حدود ۱.۵ میلیون نفر در ماه‌های آینده بر اثر این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. کسی از خارج این کشور نمی‌تواند کمک چندانی به وضعیت فعلی بکند. دولت چین برای جلوگیری از ضعیف به نظر رسیدن، حتی پیشنهاد واکسن رایگان و مؤثر از سمت اروپا را رد می‌کند. در سه‌ماهه اول سال میلادی جاری ممکن است اقتصاد این کشور دچار انقباض شود؛ به‌ویژه اگر مسئولان دوباره تصمیم بگیرند برای کنترل شیوع ویروس، شهرها را قرنطینه کنند. بااین‌حال، به‌تدریج با بازگشت تقاضای چینی‌ها برای کالا و خدمات، فعالیت اقتصادی احیا می‌شود. این اتفاق بر شرکت‌هایی مانند تسلا و اپل و همچنین بانک‌های مرکزی جهان تأثیر می‌گذارد. درواقع بازگشایی مرزهای چین بزرگ‌ترین رویداد اقتصادی سال ۲۰۲۳ خواهد بود. پس از چند ماه، موج‌های خطرناک کرونا در این کشور می‌گذرند، بیماران مجدداً به محل کار خود بازمی‌گردند و مسافران و مشتریان با آزادی بیشتری هزینه می‌کنند. برخی اقتصاددانان حدس می‌زنند تولید ناخالص داخلی در سه‌ماهه اول سال نسبت به سال ۲۰۲۳ حدود ۱۰ درصد بیشتر شود که نشان می‌دهد چین می‌تواند به‌تنهایی بخش زیادی از رشد جهانی را در این بازه زمانی به خود اختصاص دهد. حزب کمونیست چین امیدوار است به جای اینکه با ناتوانی خود در کنترل اوضاع شناخته شود، با بهبود اقتصادی پیش‌رو آن رقابت‌ت کند. پایان انزولایی که چین خود را درگیر آن کرده بود، برای آنان که بر جریان پول چینی‌ها متکی بودند، خبر خوبی است. هتل‌ها و پاساژها و همچنین سایت‌های مسافرتی در این دسته قرار دارند. صادرکنندگان کالاهایی که نیکن مصرف می‌کنند نیز سود خواهند برد. این کشور یک‌پنجم نفت جهان، بیش از نیمی از مس، نیکل و روی تولیدشده و بیش از سه‌پنجم سنگ آهن خود را وارد می‌کند. در جاهای دیگر ممکن است بازگشایی مرزهای چین اثرات مخربی به دنبال داشته باشد. در بسیاری از نقاط جهان نتیجه این اتفاق نه‌تنها رشد اقتصادی نخواهد بود، بلکه منجر به تورم و افزایش نرخ بهره بیشتری خواهد شد. بانک‌های مرکزی هم‌اکنون نیز با سرعت سرسام‌آوری در حال افزایش نرخ بهره خود هستند. اگر بازگشایی چین قیمت‌ها را تا حد زیادی افزایش دهد، این بانک‌ها مجبور به انقباضی‌ترکردن سیاست‌های پولی خود می‌شوند. کشورهای واردکننده کالاهای اساسی، ازجمله کشورهای غربی بیشتر در معرض این خطر قرار دارند. درباره بازار نفت، با کندشدن اقتصاد اروپا و آمریکا، افزایش تقاضای چین باید بیش از حد جریان کاهش صرفه در این قسمت‌ها باشد. به گفته گلدمن ساکس، بهبود سریع تقاضا در چین می‌تواند به افزایش قیمت نفت خام برنت تا صد دلار در هر بشکه کمک کند. از سویی سیاست کووید صفر، با سرکوب تقاضای چین برای گاز، پرکردن مخازن را برای اروپا کم‌هزینه‌تر کرد. شرکت‌های خارجی مطمئن نیستند که عملیات آنها مختل نشود و بسیاری حاضرند هزینه‌های بیشتری بپردازند و در مکانی دیگر تولید را ادامه دهند. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری ورودی در گذشته، امرگ کانینگهام

### کارشناس ارشد علوم شناختی رسانه